

## تبیین رویکردها و مؤلفه‌های سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بررسی موردی: تبیین بند دوازدهم سیاست‌ها: مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی

یاسر سلیمانی<sup>۱</sup>، سعید سید حسین‌زاده یزدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۰۳

### چکیده

مسئله اصلی مقاله حاضر، تبیین مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. لذا در این مقاله ابتدا با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، مؤلفه‌های محوری ناظر به هر بند از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و در ادامه با بررسی رویکردهای حاکم بر سیاست‌ها با روش ریشه‌شناسی و معناشناسی، مؤلفه‌های مفهومی ناظر به هر یک از رویکردهای هفت‌گانه‌ی سیاست‌های کلی را استخراج نموده و در نهایت با ضرب مفهومی رویکردهای سیاست‌های کلی در مؤلفه‌های محوری ناظر به هر بند، ماتریسی از نگاه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با توجه به رویکردهای مذکور که نقش حاکم بر کلیه بندهای سیاست‌ها را دارند، ترسیم نموده است و در پایان، مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی را با این چارچوب و با روش طوفان مغزی نخبگانی استخراج نموده است. یافته‌های اصلی مقاله حاکی از این امر است که: مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی باید با توجه به سه مؤلفه دسترسی به بازارهای جهانی؛ جذب سرمایه‌های خارجی (به طور مستقیم و غیر مستقیم-دو جانبه و چند جانبه)؛ حفظ اقتصاد ملی در مقابل چالش‌های اقتصاد جهانی؛ و نیز مؤلفه‌های رویکردهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی شامل: جهادی بودن، انعطاف‌پذیری، فرصت‌ساز بودن، مولد بودن، درون‌زایی، پیشرو بودن و برون‌گرایی در قالب یک ضرب ماتریسی مفهومی تدوین و اجرا شوند تا الگوی دیپلماسی اقتصادی مقاومتی استخراج و پیاده‌سازی گردد.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، قوام، مقاومت، سیاست‌های کلی، دیپلماسی اقتصادی.

۱. دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم اقتصادی، کارشناس و پژوهشگر گروه مطالعات اقتصادی مرکز تحقیقات دانشگاه

**Email:** y.soleymani@isu.ac.ir

امام صادق(ع).

۲. سعید سید حسین‌زاده یزدی، دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم اقتصادی، پژوهشگر گروه مطالعات اقتصادی مرکز

**Email:** 8saeed8@gmail.com

تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع).

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که داعیه‌دار آرمان‌های اقتصادی دین مبین اسلام است، در برهه کنونی با جنگ اقتصادی و تحریم از سوی دشمن مواجه شده و در مقابل، رهبری انقلاب نظریه اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان تاکتیک کوتاه‌مدت و راهبرد بلندمدت نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ارائه نمودند و مسیر ریل‌گذاری تحقق این نظام با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی صورت گرفته اما ضرورت گفتمان‌سازی و تبیین علمی ابعاد این نظریه به‌عنوان ضرورت اساسی مطرح است.

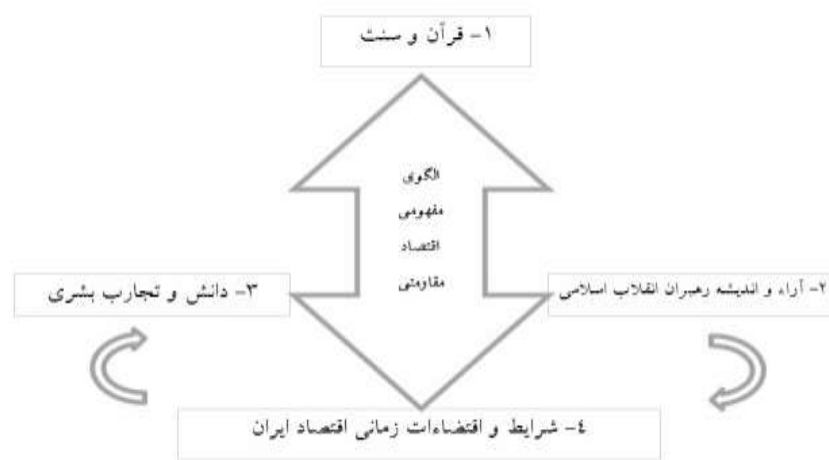
برای تبیین و فهم اقتصاد مقاومتی لازم است با چند مقدمه به مسئله ورود پیدا کرد. اولاً این نکته که مفهوم مقاوم بودن یک مفهوم طیفی یا به عبارتی یک کلی مشکک بوده و مفهومی مطلق و دارای اندازه‌ای مشخص نیست. ثانیاً، اقتصاد مقاومتی قبل از دین و نقل، یک مفهوم عقلی است. شاهد بر این مدعا این است که در هر جای دنیا اصل بر استحکام، مقاومت و قوام است و این یک اصل عقلی است. با نگاهی به دیگر نظام‌های اقتصادی دنیا، ملاحظه می‌شود که تمام آن‌ها، همواره سعی در مقاوم‌سازی بافت‌ها و ساختارهای خویش داشته‌اند و این امر با تکامل دانش، همواره در مسیر خود رو به پیشرفت بوده است، بدین معنا که جهت‌گیری تمام تئوری‌های جدید، نیل به این هدف، یعنی قوام و مقاوم‌سازی است. به این مفهوم، استفاده از تجربیات سایر کشورها جهت مقاوم‌سازی بافت‌های اقتصادی کشور لازم می‌نماید. مقام معظم رهبری نیز در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی چنین فرمودند: «تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به معنای چشم بستن بر امکانات کشورهای دیگر نیست بلکه نظام اسلامی در کنار اتکاء به داشته‌های داخلی، از امکانات دیگر کشورها نیز استفاده حداکثری خواهد کرد!»<sup>۱</sup> لذا اقتصاد مقاومتی یک برنامه کوتاه‌مدت نبوده و بلکه یک فرآیند و راهبرد کلان است و مربوط به دوره تحریم نخواهد بود و بلکه اگر تمام همه‌ها پایان یابند و نیز با لحاظ نمودن شرایط مکانی — زمانی، باز هم تمامی عناصری که در سند سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی وجود دارد، جزو برنامه‌های کشور خواهد بود و باید به این سیاست‌ها به‌عنوان یک راهبرد توجه شود. به‌عبارت‌دیگر جریان اقتصاد مقاومتی، یک جریان سیاست زده کوتاه‌مدت ایدئولوژیک سیاسی نیست و

۱. بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

۲. اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده‌ی رشد و شکوفایی کشور باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶).  
- البته اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ این‌جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود ... باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶).  
- مجموعه‌ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است... این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده کند... در عین حال پویا هم هست... قابل انطباق با شرایط

شاهد و گواه این مطلب را نیز حتی در ادبیات متعارف اقتصادی نیز می‌توان دنبال نمود که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. نمودار ۱ به ارائه و معرفی چارچوبی مفهومی الگوی اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. در توضیح مدل مفهومی ارائه‌شده در نمودار ۱ مختصراً باید گفت: برای نیل به یک الگوی بومی و به عبارتی ایرانی-اسلامی از اقتصاد مقاومتی به چهار رکن نیاز است که عبارت‌اند از: ۱. قرآن و سنت (که سایر ارکان دارای رابطه طولی با این رکن هستند)؛ ۲. آراء و اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، ۳. دانش و تجارب بشری و ۴. در نظر گرفتن شرایط و اقتضات زمانی اقتصاد ایران. با توجه به موضوع، این مقاله به دنبال تبیین موضوع، با در نظر گرفتن ارکان مذکور است.

نمودار-۱. مدل و الگوی مفهومی اقتصاد مقاومتی



در اینجا ذکر این نکته خالی از فایده نمی‌نماید که بررسی و رجوع به دانش و تجربه سایر کشورها، علی‌رغم این که اکثر کشورها از الگوهای مبتنی بر شریعت پیروی نمی‌کنند، دارای اشکال نخواهد بود و اجمالاً در تائید نظر فوق می‌توان به آیات، روایات و سیره ائمه (ع) تمسک جست. آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین (سوره انعام آیه ۱۱). از طرفی در سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) ما

گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید؛ و عملاً اقتصاد کشور را به حالت «نعطاف‌پذیری» می‌رساند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکان‌های گوناگون برطرف می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

شاهد این هستیم که ایشان در مواجهه با جاهلیت سه راهبرد به کار می‌برند: ۱- نفی ۲- امضاء و ۳- تأسیس، لذا در بحث اقتصاد مقاومتی نیز باید بخش‌هایی از علوم و تجارب غربی را نفی کرده، بخش‌هایی از آن را امضاء شود- ایشان در واقع قائل به این مطلب بودند که انسان‌های عهد جاهلیت نیز دارای برخی کردارها و امور مناسب و مطابق با شرع هستند و البته قطعاً بخشی دیگر از امور و کردارهای ایشان کاملاً دچار اشکال بوده است- و برخی امور از پایه لغو و احکامی تأسیسی بنانهاده شد. غرض از بیان مطالب فوق این بود که نوع رفتار علمای دینی و اقتصادی با تئوری‌های اقتصادی غرب باید دارای یک قوه پالایش و نقد باشد که بتواند با واکوی نظریات متداول غربی، هر جا نیاز به امضاء دارد، امضاء و هر جا نیاز به تأسیس است، اقدام به تأسیس نماید که البته تشخیص خلاف اصول اسلامی بودن آن به عهده مجتهدین خواهد بود (پیغامی، سمیعی نسب، سلیمانی، حسین‌زاده یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۱-۲۳). از منظر دیگر می‌توان گفت مراتب عقل و نقل هر دو کاشف از دین هستند و عقل به معنای علم یا طمأنینه علمی است که از برهان تجربی محض یا تجربی صرف یا تلفیقی از تجربی و تجریدی حاصل شده باشد و یکی از مراتب آن عقل تجربی است که حاصل مشاهده و آزمون بشری است و با دو شرط می‌تواند دینی باشد اول اینکه با مراتب بالاتر عقل که همان عقل تجریدی و شهودی و وحی است تعارض نداشته باشد و ثانیاً روش تجربی و مشاهده و آزمون، طمأنینه و حجیت را برای فرد حاصل کند! لذا ما با رجوع به تجارب بشری و نگاه به آن‌ها از پنجره آیات و روایات و مدنظر قرار دادن منویات و آراء رهبران و اندیشمندان اسلامی و با توجه به شرایط مکانی- زمانی خویش باید اقدام به نفی، امضاء یا تأسیس نظریات و تئوری‌های اقتصادی نماییم.

پس از طرح نظریه اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری، پژوهش‌هایی جهت تبیین آن صورت گرفته است: (سیف، ۱۳۹۲) با بررسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با روش فراتحلیل، تحلیل محتوا و تجربیات دانشی، اهداف کلان و موضوعی سیاست‌های ابلاغی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که در میان اهداف موضوعی بیشترین تأکید بر فنریت اقتصادی است. همچنین (سیفلو، ۱۳۹۳) به بررسی مفهوم «اقتصاد مقاومتی» از طریق تعیین جایگاه آن در پارادایم علم اقتصاد و تحلیل گفتمان سخنان مقام معظم رهبری پرداخته است و با این فرضیه که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی متناظر با مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» در ادبیات متعارف است، به این نتیجه رسیده که بر اساس بیانات رهبری، اقتصاد مقاومتی بهترین تفسیر را در قالب یک راهبرد اقتصادی فعال به خود می‌گیرد. (تراب زاده، سجادیه، سمیعی نسب، ۱۳۹۲) نیز با تحلیل سخنان رهبری با بهره‌گیری از روش تحلیل داده‌بنیاد، به مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی پرداخته است. این مقاله با توجه به پیشینه مذکور و با این فرضیه که مولفه‌های دیپلماسی اقتصادی در چارچوب این سیاست‌ها به مولفه‌های مقاومتی دیپلماسی اقتصادی مبدل شده و در واقع الگوی اولیه دیپلماسی اقتصادی مقاومتی معرفی می‌گردد با رویکردی متفاوت رویکردها و بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مورد بررسی قرار داده است که به نوعی نوآوری اصلی

۱. در این رابطه به کتاب "منزلت عقل در هندسه معرفت دینی"، آیت الله جوادی آملی، انتشارات اسراء، مراجعه شود.

این مقاله محسوب می‌شود. از این منظر که رویکردهای کلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به مثابه روح کلی حاکم بر آن دیده است و با استخراج مؤلفه‌های محوری ناظر به هر بند از سیاست‌ها و همچنین مؤلفه‌های مفهومی ناظر به هر یک از رویکردها و ضرب مفهومی این دو، ماتریسی از نگاه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با توجه به رویکردهای مذکور، ترسیم شده است و در قسمت نهایی نیز، به‌عنوان بررسی موردی، مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی با این چارچوب مورد بررسی قرار گرفته است. از این منظر می‌توان تمامی بندهای سیاست‌های کلی را مورد بررسی قرار داد و مؤلفه‌های مقاوم‌سازی اقتصادی را در عرصه‌های مختلف - که به نوعی تمایز سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با سایر سیاست‌های اقتصادی متعارف است - استخراج نمود.

### ۱. معرفی روش تحقیق

در مقاله حاضر، مبتنی بر روش‌های پژوهش کیفی و توصیفی-تحلیلی، از روش تحلیل مضمون در تحلیل و استخراج مضامین و مؤلفه‌های ناظر به متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بهره برده شده است. همچنین در مرحله استخراج مؤلفه‌های ناظر به هر یک از رویکردهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز، از روش‌های ریشه‌شناختی<sup>۱</sup> و معناشناسی استفاده شده است. در نهایت برای تدوین و استخراج الگوی ماتریسی دیپلماسی اقتصادی مقاومتی از روش طوفان مغزی نخبگان به عنوان یکی از روش‌های ارجاع فرآیندی پژوهش، جهت بررسی معناداری مدل ماتریسی مذکور استفاده شده است. در قسمت مطالعات توصیفی-تحلیلی از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مبتنی بر منابع سنتی و دیجیتال استفاده شده است. در ادامه مختصراً به معرفی این سه روش و چگونگی پیاده‌سازی آن در این مقاله پرداخته می‌شود.

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (Braun & Clarke). فرآیند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان تقسیم نمود: الف-تجزیه و توصیف متن، ب-تشریح و تفسیر متن، و ج-ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. در حالی که همه این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است، اما در هر مرحله از تحلیل سطح بالاتری از انتزاع به دست می‌آید. از سویی دیگر هر کدام از این مراحل شامل چند گام می‌شود که در مجموع شش گام اصلی را در این مراحل می‌توان احصاء نمود: ۱- آشنا شدن با متن؛ ۲- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری؛ ۳- جست‌وجو شناخت مضامین؛ ۴- ترسیم شبکه مضامین؛ ۵- تحلیل شبکه مضامین و ۶- تدوین گزارش (جعفری، تسلیمی، فقیهی، شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷-۱۷۸). در مقاله حاضر، از روش مذکور در تحلیل و استخراج مضامین و مؤلفه‌های ناظر به متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بهره برده شده است. به این ترتیب که ابتدا موضوعات هر بند سیاست‌ها کدگذاری شده، سپس از

تحلیل داده‌های کدگذاری شده، مؤلفه‌ها و مضامین محوری هر بند مشخص شده است و در نهایت شبکه‌ای از مضامین موجود در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قالب جدولی ارائه شده است.

در مورد روش ریشه‌شناختی باید اذعان داشت، ریشه‌شناختی علم مطالعه‌ی تاریخی واژه‌ها و بررسی تحول شکل واژه‌ها است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۱). معناشناسی نیز یکی از حوزه‌ی زبان‌شناختی است که به بررسی معنا می‌پردازد، همچنین مؤلفه‌های مفهومی واژگان - که شرایط لازم و کافی برای تشکیل مفهوم واژه‌ها است - استخراج می‌شود و وجوه اشتراک و افتراق مفاهیم را می‌نمایاند (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۲۰). با بهره‌گیری از این دو روش ابتدا ریشه تاریخی واژگان رویکردها و سپس معنای لغوی و اصطلاحی آن - با استفاده از ادبیات رایج اقتصادی، نصوص دینی و اندیشه‌ی مقام معظم رهبری - بررسی شده و سپس بر اساس آن، مؤلفه‌های معنایی ناظر به هر رویکرد استخراج گردیده است. در انتها برای بررسی مدل نهایی ماتریسی، از روش طوفان مغزی نخبگان استفاده شده است.

## ۲. سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی: بررسی مؤلفه‌ها و رویکردها

تعریف بسته‌های سیاستی، مسیری برای ایجاد یک نگاه جامع و همه‌جانبه است تا راه‌حل‌های پیش‌بینی شده برای حل مشکلات نه تنها مشکل جدیدی را ایجاد نکند، بلکه حتی تقویت‌کننده سایر راه‌حل‌ها نیز باشد. همچنین این بسته‌های سیاستی اغلب دارای نگاه بلندمدت هستند و طوری طراحی شده‌اند تا در بلندمدت اهداف خاصی را پشتیبانی نمایند (سمیعی نسب، سلیمانی، ۱۳۹۳، ص ۳).

با توجه به هدف اصلی ما از مقاله حاضر - که آشنایی اجمالی با برخی از اهم مبانی علمی و اقداماتی است که اهداف اقتصاد مقاومتی را محقق می‌کند - با نگاهی به مقدمه و متن سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به مسئله ورود پیدا می‌کنیم. در مقدمه سیاست‌ها این چنین آمده است: «باهدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد». (برگرفته از متن سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲)

در این قسمت نیاز است درباره مفهوم و واژه رویکرد که معادل در زبان انگلیسی همان Approach است، توضیحاتی داد از جمله بررسی این مفهوم در دیکشنری‌ها و لغت‌نامه‌های قابل استناد، که این چنین آمده است:

دیکشنری کمبریج: طریقه انجام دادن کاری یا مورد توجه قرار دادن چیزی (سایت دیکشنری کمبریج)  
دیکشنری آکسفورد: مسیر یا هر راهی که ما را به مکانی رهنمون سازد (سایت دیکشنری آکسفورد)<sup>۲</sup>

<sup>1</sup><http://dictionary.cambridge.org/dictionary/british/approach>  
<sup>2</sup><http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/approach>

دیکشنری مریم وبستر: برداشتن گام‌های مقدماتی جهت نیل به هدفی مشخص (سایت دیکشنری مریام وبستر)<sup>۱</sup>  
 به‌طور کلی، در بسته‌های سیاستی زمانی که صحبت از رویکردها به میان می‌آید، منظور روح کلی حاکم بر آن است (پیغامی، ۱۳۹۴، نشست علمی - تخصصی با موضوع اقتصاد مقاومتی).  
 باید اذعان داشت این مقدمه‌اندک، در واقع بایان رویکردهایش، روح کلی حاکم بر سیاست‌ها را دنبال می‌نماید و به عبارت دیگر، تمام رویکردهای بیان شده، بر کل و بندبند سیاست‌ها حاکم خواهد بود. این مقدمه‌اندک در واقع شاید قسمت اصلی این سیاست‌ها است که دارای مبانی علمی نیز است. مطابق کاربرد و نتایج حاصله از روش تحلیل مضمون برای بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، جدول ۱ قابل ملاحظه است.

جدول-۱. مؤلفه‌های استخراجی از متن و بندهای سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی<sup>۲</sup>

بند سیاستی	موضوع محوری و مضمون ناظر بر هر بند
۱	توسعه کارآفرینی و مشارکت عمومی
۲	اقتصاد دانش‌بنیان
۳	رشد بهره‌وری و استفاده از مزیت‌های جغرافیایی مناطق
۴	استفاده از ظرفیت هدفمندسازی پارانه‌ها
۵	سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف
۶	تولید داخلی کالاهای اساسی
۷	تأمین امنیت غذا و دارو
۸	مدیریت و اصلاح الگوی مصرف
۹	اصلاح و تقویت نظام مالی
۱۰	حمایت از صادرات کالاها و خدمات
۱۱	توسعه مناطق آزاد و ویژه تجاری
۱۲	استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی
۱۳	مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای گاز و نفت
۱۴	گسترش ذخایر راهبردی و استفاده از ظرفیت میادین مشترک نفتی

افزایش ارزش افزوده در حوزه صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و برق	۱۵
صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور	۱۶
اصلاح نظام درآمدی دولت (مالیات)	۱۷
کاهش وابستگی بودجه به نفت	۱۸
مبارزه با مفسد اقتصادی	۱۹
تقویت فرهنگ جهادی	۲۰
تبیین و گفتمان سازی ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی	۲۱
بسیج امکانات دولت	۲۲
روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار ارز	۲۳
افزایش پوشش استاندارد	۲۴

مقاله حاضر نیز بر هفت رویکرد و یکی از مؤلفه‌های استخراجی از بندهای سیاست کلی به‌عنوان خروجی تطبیقی، تمرکز نموده است. در واقع این مطالعه تطبیق رویکردهای هفت‌گانه با ادبیات، گفتمان و تفاسیر رایج از این مفاهیم را مدنظر دارد. مؤلفه‌های احصاء شده در جدول ۱ دارای تعاریف، مدل‌ها و حتی سنجه‌های مشخص هستند که در بخش تطبیقی به آن اشاره خواهد شد. اما همان‌طور که پیشتر نیز ذکر گردید، رویکردهای بیان شده باید بر تمامی مؤلفه‌ها حاکم باشد، بدین معنا که در منظومه اقتصاد مقاومتی و برای مثال در مورد مؤلفه اول، کارآفرینی، هر نوع کارآفرینی مدنظر نیست، بلکه آن نوع از کارآفرینی مدنظر است که با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا باشد و الا تفاوتی با کارآفرینی به معنای آنچه در علوم رایج و متعارف و حتی بومی مطرح می‌شود، نخواهد داشت و اینجاست که تفاوت اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن، از اقتصاد به معنای عام آن جدا و متمایز می‌گردد. لذا ما در ادامه رویکردهای هفت‌گانه بیان شده در متن سیاست کلی را از نگاه علوم رایج مورد واکاوی قرار داده و سپس با ارائه تعاریفی از یکی از مؤلفه‌های جدول ۱ به تطبیق آن‌ها با یکدیگر و ارائه ماتریس تکمیلی در آن مورد به‌عنوان نتیجه و ثمره پژوهش، خواهیم پرداخت.

جدول ۲ با ارائه یک ماتریس مفهومی، بیان می‌دارد که مؤلفه‌های جدول ۱ در تقابل با رویکردها هستند که به ما خروجی‌ای با معنا و در منظومه اقتصاد مقاومتی خواهند داد. شایان‌ذکر است رویکردهای بررسی شده در گستره علم متعارف اقتصاد بررسی شده‌اند و البته در مورد رویکرد جهادی به لحاظ این که این مفهوم و رویکرد در منظومه علوم و معارف اسلامی دارای جایگاه رفیعی است؛ لذا سعی شده است، مؤلفه‌ها و ابعاد این رویکرد از منظر منابع دینی مدنظر قرار گیرد.



**جدول ۲-** ماتریس مفهومی رویکردها و مولفه‌های جدول ۱ در مطالعه حاضر (مدل نگاه به مفاهیم با عینک اقتصاد مقاومتی) (برای مشاهده جدول شماره ۲، به نسخه ارائه شده بر روی وب سایت فصلنامه مراجعه شود)

### ۳. بررسی مفاهیم در ادبیات رایج و متعارف

#### ۳-۱. تعاریف و مفاهیم ناظر به رویکردها

با توجه به روش معناشناسی و بررسی تعاریف رویکردها هم در بستر تاریخی و هم در ریشه شکل‌گیری و اشاره به معنای آن‌ها در علوم تخصصی داریم؛

#### الف) منعطف

واژه (منعطف) در لغت به معنای خم‌گیرنده، خمیده، خم‌گرفته و دولاشده و برگردانده است (دهخدا، ۱۳۴۱، مدخل میم).

حال برای آشنایی بیشتر با معنای اصطلاحی انعطاف‌پذیری، به سراغ ادبیات این مفهوم در مفاهیم اقتصادی می‌رویم، لذا به ارائه چند تعریف از منابع مختلف می‌پردازیم. متأسفانه، هیچ تعریف مشترک موردتوافقی از انعطاف‌پذیری که در همه‌ی رشته‌ها استفاده شود وجود ندارد. حال تعاریف مورداستفاده و رایج انعطاف‌پذیری برحسب مفاهیم مرکزی آن‌ها بیان می‌گردد. تعاریف انعطاف‌پذیری که به خاطر ارتقای توانایی اجتماع‌ها در ترمیم و بازیابی پس از وقوع فجایع مطرح شده‌اند، بسیار ارزشمند هستند.

#### جدول ۳- تعاریف انعطاف‌پذیری اجتماع، اقتصادی و نهادی

تعریف	قلمرو	نخستین نویسنده، سال
انعطاف‌پذیری شامل (۱) میزان تغییراتی که یک سیستم می‌تواند تحمل کند و همچنان همان ساختار، کارکرد و هویت و بازخوردهای مربوط به کارکرد و ساختارش را اصالتاً حفظ کند، (۲) میزان درجه‌ای که سیستم قابلیت خودسازمان‌دهی را دارد (و پس از اختلالات باز سازمان‌دهی می‌کند) و (۳) میزان درجه‌ای که یک سیستم ظرفیت یادگیری و تطابق خود را ابراز می‌دارد.	اجتماع	کوئینلن، ۲۰۰۳

۱. جدول حاضر در واقع ضرب و مقابله هفت رویکرد موجود در مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با مولفه‌های مستخرجه از بند بند سیاست مذکور مطابق جدول ۱ است.

توانایی سیستم برای تحمل شوک‌های بازار و محیط بدون از دست دادن ظرفیت خود برای تخصیص کارای منابع.	اجتماع	پرینگز، ۲۰۰۶
انعطاف‌پذیری (پویا): سرعتی که یک موجود و یا سیستم پس از شوک‌های شدید به‌منظور دستیابی به وضعیتی مطلوب، بازیابی و بهبود می‌یابد. انعطاف‌پذیری ایستای اقتصادی: توانایی یک موجود و یا سیستم برای حفظ کارکرد (مثلاً ادامه دادن تولید) در هنگام وقوع شوک. انعطاف‌پذیری ذاتی: توانایی تعامل با بحران. انعطاف‌پذیری تطابقی (دارای قدرت سازگاری): توانایی (یک موجود و یا سیستم) در مواقع بحرانی بر حفظ کارکرد خود بر مبنای نبوغ و یا تلاش بیشتر	اقتصادی	رز، ۲۰۰۷
انعطاف‌پذیری اقتصادی می‌تواند در دو معنی مورد استفاده قرار گیرد، به ترتیب مربوط به توانایی اقتصاد برای الف) جذب اثر شوک‌های اقتصادی خارجی و ب) بی‌اثر کردن اثرات زیان‌بار چنین شوک‌هایی. توانایی یک اقتصاد برای جذب شوک‌های خارجی که همراه با انعطاف‌پذیری اقتصاد است، این اقتصاد را قادر به بهبود پس از اثرات مخالف شوک‌ها می‌کند. این توانایی بسیار محدود خواهد شد.	اقتصادی	بریگولیو، ۲۰۰۴
در این بعد ویژگی‌های فیزیکی سازمان‌ها از جمله تعداد نهادهای محلی، دسترسی به اطلاعات، نیروها و افراد آموزش‌دیده و داوطلب، پایبندی به دستورالعمل‌های مدیریت بحران، به هنگام بودن قوانین و مقررات، قوانین و مقررات بازدارنده و تشویقی به‌ویژه در امر ساخت‌وساز مساکن، تعامل نهادهای محلی با مردم و نهادهای دولتی، رضایت از عملکرد نهادهای، مسئولیت‌پذیری نهادهای و نحوه‌ی مدیریت یا پاسخگویی به سوانح نظیر ساختار سازمانی، ارزیابی می‌شود.	نهادی	ترنی و برونو، <sup>۴</sup> ۲۰۰۷

انعطاف‌پذیری اقتصادی در ادبیات متعارف اقتصادی دارای چند مؤلفه است:

- 1 Perrings
- 2 Rose
- 3 Briguglio, Lino.
- 4 Tierney, K. and Bruneau, M.





الف) ظرفیت جامعه برای بازگشت به شرایط اقتصادی پیش از بحران و ظرفیت جوامع برای کاهش در معرض خطر قرار گرفتن چه در واکنش به وقوع بحران که جامعه تجربه کرده است و چه در پیش‌بینی وقوع حوادثی که هنوز تجربه نکرده است (فورگوت، ۲۰۰۹).

ب) مقاومت که حساسیت پذیری اقتصاد در برابر بحران‌های اقتصادی مانند رکود را نشان می‌دهد،  
 ج) بهبود که به معنای سرعت عمل در "بهبود بخشی" پس از مواجه شدن با بحران‌هاست و  
 د) بازسازی و یا تجدید دوباره مسیر رشد اقتصادی پس از بحران‌هاست (مارتین، ۲۰۱۲).

نمودار ۲- مؤلفه‌های اصلی انعطاف‌پذیری اقتصادی در ادبیات متعارف



**ب) مولدیت**

مولد در لغت به معنای تولیدکننده، زاینده، به وجود آورنده و زایا است (عمید، ۱۳۸۹، مدخل میم). در زبان انگلیسی نیز لغت (productive) به معنای زایا بودن، و به معنای صفتی است که تولید منفعت و سود را می‌رساند.<sup>۱</sup> واژه productive در زبان فارسی به «بهره‌ور» نیز ترجمه شده است.

پیشینه مولدیت به دورانی بسیار کهن بازمی‌گردد؛ به گونه‌ای که با انسان و استعدادها و توانایی‌های او گره خورده است. در قرن هجدهم میلادی برای نخستین بار واژه مولدیت مطرح شد و پس از آن، سازمان‌ها و جنبش‌های مستقل در زمینه‌ی آن به مطالعه و پژوهش پرداختند. سپس در اروپا، آژانس بهره‌وری اروپا (EPA) و در آسیا سازمان بهره‌وری آسیایی (APO) تشکیل شد. ایران نیز یکی از اعضای شانزده‌گانه آن است. در ایران، سازمان بهره‌وری ملی در سال ۱۳۷۰ برای بالا بردن سطح زندگی و پی‌ریزی جامعه‌ای مرفه تأسیس و نام‌گذاری شد. رسالت اصلی این سازمان، بالا بردن بهره‌وری در همه جنبه‌ها و سطوح فعالیت‌ها در کشور است (بافکار، ۱۳۸۴، ص ۱۲). پیامدهای مثبت بهره‌وری کیفیت زندگی افراد، رفاه و سلامت هر جامعه با بهره‌وری در آن جامعه رابطه مستقیم دارد. بهره‌وری در یک جامعه، سطح زندگی مردم را بدون بالا بردن هزینه‌ها و سختی کار افزایش می‌دهد. هدف از بهره‌وری، دستیابی به مقاصدی است که نیازهای مادی و معنوی انسان را برمی‌آورد و زندگی بهتر را برای او فراهم می‌کند. امروزه به دلیل شدت نیاز به بازسازی اقتصادی و استفاده مفید از عوامل تولید، مفهوم بهره‌وری بیشتر درباره مسائل اقتصادی و تولیدی به کار گرفته می‌شود.

تعریف‌های گوناگونی برای بهره‌وری به چشم می‌خورد که تبیین آن‌ها در اینجا نمی‌گنجد، ولی این تعریف به‌منظور ما از بهره‌وری نزدیک‌تر است. منظور از بهره‌وری، کارایی یک انتخاب جمعی در کنار کارآمدی (اثربخشی) آن است. به عبارت بهتر، بهره‌وری شاخصی است که از تجمیع دو شاخص دیگر حاصل می‌شود و بر همین اساس بهترین روش جهت تبیین بهره‌وری تبیین دو شاخص مذکور است. کارایی از جمله لغاتی است که کمتر واژه‌ای به اندازه آن، در پارادایم‌های مختلف اقتصادی از شهرت و رواج برخوردار است. کارایی در لغت، به معنای بی‌فایده نبودن یک انتخاب یا بهترین استفاده از منابع در دسترس است. به عبارت بهتر، کارایی به انجام کارها به بهترین روش یا تدبیر و تمشیت هر نوع انتخابی با کمترین هزینه و بیشترین منفعت است (لاکوود، ۲۰۰۸، صص ۲۹۲-۲۹۵). در مقابل، کارآمدی (اثربخشی) هر انتخاب جمعی، به معنای انجام بهترین انتخاب‌ها است. به عبارت بهتر، در حوزه کارآمدی، صحبت از آن است که آیا ضرورتی بر انجام انتخاب موردنظر بوده است؟ بنابراین، درحالی‌که کارایی ناظر بر روش انجام یک تعامل است کارآمدی ناظر بر نوع تعامل است. درواقع کارایی را می‌توان درست انجام دادن کار و اثربخشی را کار درست انجام دادن قلمداد کرد.

۱. رجوع شود به دیکشنری merriam Webster ذیل واژه productive ۱۰۲



با افزایش بهره‌وری در فرآیند تولید می‌توان با استفاده از سطح معینی از نهاده‌ها به تولید بیشتری دست یافت. از نهاده‌های مهم تولید، عامل نیروی کار و عامل سرمایه هستند، به همین جهت دو مفهوم بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه در حقیقت استفاده بهینه از عوامل نیروی کار و سرمایه را نشان می‌دهند. همچنین بهره‌وری کل عوامل (TFP) استفاده بهینه از ترکیب عوامل مذکور را نشان می‌دهد (ولی زاده زنور، ۱۳۸۴، ص ۹). بهره‌وری کل عوامل، معیاری برای محاسبه میزان بهره‌وری در یک کلان سازمان است. این شاخص توصیف‌کننده روند تبدیل هزینه کل به درآمد کل است و لذا افزایش آن در یک سازمان می‌تواند منجر به پیشرفت در بازار رقابتی، بهبود عملکرد بخش‌های مختلف، نزدیک شدن هر چه بیشتر به اهداف برنامه‌ریزی‌شده، کاهش هزینه‌ها، افزایش درآمد، بهبود کیفیت تولید یا خدمات و غیره گردد (علیرضایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). رشد بهره‌وری کل عوامل، علاوه بر رشد کمی نهاده‌های تولید، یکی از منابع مهم تأمین‌کننده رشد اقتصادی در سطح کلان است و در واقع به‌نوعی مدیریت استفاده از منابع تولید را نشان می‌دهد.

### ج) پیشرو بودن

پیشرو در لغت به معنای پیش‌تاز، پیش‌قدم و مقدم آمده است (خداپرستی، ۱۳۷۶، مدخل پ). در زبان انگلیسی نیز پیشرو بودن به همین معناست. مفهوم پیشرو بودن در اقتصاد را می‌توان در دهه ۱۹۳۰ و در خلال بحث‌های اقتصاددانان کانادایی جستجو نمود. کلیدواژه Pioneer Economy در اقتصاد در مطالعات اقتصاددانان کانادایی به چشم می‌خورد. البته این مفهوم ممکن است در سایر علوم مانند سیاست و... دارای پیشینه‌ای عمیق‌تر و با بسط مفاهیم بیشتر باشد. باین حال دابلیو.آ. مکینتوش اقتصاددان کانادایی در این باره می‌گوید: اقتصاد پیشرو یا نابالغ چیست؟ این مفهوم، مفهومی نیست که به لحاظ تاریخی بحثی جدید به حساب آید، بدون پیشینه نبوده و همچنین غیر توسعه‌یافته نیست. اقتصاد پیشرو در واقع توسط فراوانی نسبی منابع شناسایی می‌شود (دابلیو.آ. مکینتوش، ۱۹۳۶، ص ۴۵۷).

درواقع مکینتوش فراوانی نسبی عوامل یعنی کار و سرمایه و فرصت‌ها و محدودیت‌های مقابل آن‌ها را عامل پیشرو بودن یا نبودن یک اقتصاد معرفی می‌نماید. شاخص مرکب پیشروی اقتصادی مؤلفه‌های زیر را برای یک اقتصاد پیشرو معرفی می‌کند

۱. تعداد ساعت کار هفتگی کارگران
۲. تعداد متوسط برنامه‌های اولیه برای بیمه بیکاری



1 Total Factor Productivity

۲. رجوع شود به دیکشنری merriam Webster ذیل واژه pioneer

۱۰۴

3W.A. Mackintosh 1936

4Composite Index of Leading Indicators

۳. مقدار سفارش‌های جدید ساخت و تولید برای کالاهای مصرفی و مواد
۴. سرعت تحویل کالای جدید به فروشندگان از تولیدکنندگان
۵. مقدار سفارش‌های جدید برای کالاهای سرمایه‌ای
۶. مقدار مجوز ساختمان جدید برای ساختمان‌های مسکونی
۷. متوسط شاخص سهام
۸. رضایت و انتظارات مصرف‌کنندگان (سایت اینوستودیا)

#### د) برون‌گرا بودن

مفهوم برون‌گرایی ابتدا در علوم روان‌شناسی مطرح گردیده است و در آن از سان‌ها بر اساس نوع و ماهیت رفتار در روابط و تعاملات خارجی، به درون‌گرا و برون‌گرا تقسیم می‌شوند (فوردهام، بی تا). مفهوم برون‌گرایی در اقتصاد به روند همگرایی کشورها به بازارهای جهانی به لحاظ حجم تجارت جهانی در کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری در سبد سرمایه‌ای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برمی‌گردد. فعالیت‌های برون‌گرا به فعالیت‌های کسب‌وکار و تجارت افراد و سازمان‌ها که از مرزهای ملی خارج می‌شود و به کشورهای دیگر وارد می‌شود برمی‌گردد (Chletsos, 2008). برون‌گرایی، بهره‌برداری از مزیت‌های رقابتی و مزیت نسبی کشورها و گسترش کسب‌وکار به بازارهای جدید بین‌المللی و خارج از مرزهاست. جهت استفاده از این مزیت هر دو محیط داخلی سالم و محیط خارج باید آماده پذیرش محصولات کشور صادرکننده باشند.

مفهوم برون‌گرایی با مفاهیم رقابت‌پذیری، تسهیل کارآفرینی و خلق فرصت‌های جدید درآمیخته است. رقابت‌پذیری به توانایی یک بنگاه در جان سالم به در بردن، گسترش و رقابت با دیگر بنگاه‌ها برای به دست آوردن سود بیشتر گفته می‌شود. تاجر و کاسب در بازار و منابع رقابت می‌کند و ساخت و گسترش مزایای رقابتی از جمله پروسه‌ی نوآوری و خدمات بهداشتی و .. از جمله عوامل رقابت ساز است. (Ioannidis 2007).

درجه برون‌گرایی جامع اقتصادی یک شاخص جامع است که عمدتاً برای اندازه‌گیری صادرات محور بودن<sup>۴</sup> یک کشور یا منطقه در توسعه اقتصادی خارجی، تجارت کالا و خدمات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و... به کار می‌رود (وانگشینگ، ۲۰۱۰).

- 1 Extroversion
- 2 extroverted activities
- 3 Economic comprehensive extroverted degree
- 4 export-oriented economy

## ه) درون‌زا بودن

کوتاه و مختصرترین تعریف از درون‌زایی را پل رومر (۱۹۸۴) ارائه کرده است: کلمه "درون‌زا" اساساً یک اصطلاح گیاه‌شناسی است و در واقع اندوژن گیاهی است که از طریق رشد بی‌قاعده بافت‌های معمول و آوندی جدید در درون بافت‌های موجود افزایش پیدا می‌کند و بدین ترتیب درون‌زایی، رشد و یا تولید از درون است و این استعاره مناسبی برای رشد اقتصادی و فناورانه است. در ادبیات متعارف دانش علم اقتصاد، تئوری رشد درون‌زا مفهومی ساده برای رشد اقتصادی است؛ که از درون سیستم یا به عبارت بهتر از درون یک کشور، تحقق پیدا می‌کند (الفتی، بابایی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲-۱۷۳). الگوهای رشد اقتصادی نظریاتی هستند که برای تفسیر و توضیح واقعیت‌های مشاهده‌شده در زمینه رشد در سطح جهانی ارائه شده‌اند. سه رهیافت مختلف در طراحی الگوهای رشد درون‌زا وجود دارد که تأکید اصلی هر یک از آن‌ها بر یکی از سه عامل زیر است: آثار بیرونی ناشی از انباشت سرمایه فیزیکی؛ انباشت سرمایه انسانی (یعنی، نیروی کار ماهر) و رشد مستمر موجود در "طرح‌های" تولیدی جدید که به نوبه خود خلق طرح‌های جدید تولیدی را تسهیل می‌کند. به نظر می‌رسد رهیافت سوم، موجه‌ترین وسیله‌ای است که می‌تواند باعث رشد طولی‌مدت شود (ابریشمی و منظور، ۱۳۷۸، ص ۲۷). مفهوم نظریه رشد درون‌زا این است که سیاست‌هایی که به سوی باز بودن بیشتر اقتصاد، رقابت، تغییر و نوآوری است موجب تسریع روند رشد می‌گردد و در مقابل، سیاست‌هایی که دارای اثر محدودکننده و یا کاهش نوآوری و حفاظت از صنایع و شرکت‌های ناکارآمد موجود باشد، موجب کندی روند رشد اقتصادی و موجب ایجاد عدم مزیت اقتصادی در جامعه می‌شود (بارو، ۲۰۰۴). در واقع آنچه در علم اقتصاد تحت عنوان الگوهای رشد درون‌زا مطرح است، بخشی از مفهوم درون‌زایی را می‌رساند. در واقع درون‌زایی منطبق بر الگوی اقتصاد مقاومتی مولفه‌هایی اعم از مولفه‌های مطرح شده در الگوهای مذکور را داشته است. برخی از اهم مؤلفه‌های درون‌زایی اقتصادی با الهام از اندیشه‌های مقام معظم رهبری عبارتند از: خوداتکایی در تامین نیازهای داخلی، توسعه و تنوع فعالیت‌های اقتصادی و احتراز از واردات بی‌رویه (پیغامی، ۱۳۹۲).

## و) فرصت ساز بودن

واژه فرصت ساز واژه‌ای است مرکب از دو جزء "فرصت" و "ساز" است. واژه "فرصت" در لغت به معنای وقت مناسب برای کاری، زمان، وقت و در معنای مصدر لازم، به دست آوردن وقت مناسب جهت انجام کاری است (عمید، ۱۳۸۹، مدخل ف). "ساز" در لغت به معنای سازنده چیزی و فاعل مستعمل است، همچنین به

معنای ایجادکننده، فراهم‌کننده، و برابره‌کننده و سروسامان دهنده است (دهخدا، ۱۳۴۱، مدخل سین). در نتیجه فرصت‌سازی به معنای ایجاد و فراهم کردن وقت مناسب جهت انجام کاری است.

اقتصاددانان معتقدند که فرصت‌های اقتصادی یکی از حقوق بنیادین زندگی، آزادی و رضایت‌مندی محسوب می‌شود. خلق یک فرصت در جامعه نمایان‌گر فرصت اقتصادی‌ای است که راهکارهای خلق یک فرصت را بررسی می‌کند، خصوصاً این راهکارها برای سطوح ضعیف اقتصادی جامعه معنادار است. در مطالعاتی که ناظر به بررسی فرصت‌ها در جوامع است، موضوعات زیر مورد تدقیق قرار می‌گیرد:

- ۱- تحرک: که در دو محور بررسی می‌گردد: الف) تحرک درآمد در طول زندگی و بین نسل‌ها، ب) سطوح پایین تحرک در دنباله‌ی توزیع
- ۲- فقر: که در دو محور بررسی می‌گردد: الف) کاهش فقر در کهن‌سالان، ب) موفقیت حداقلی در کاهش فقر برای سایر گروه‌ها
- ۳- نابرابری: که در دو محور بررسی می‌گردد: الف) سطوح در حال رشد نابرابری درآمدی بخصوص در سطوح خیلی بالا، ب) قشر متوسطی دارای درآمد حداقلی (ساوهیل و هسکینز، ۲۰۰۹، ص ۱۰)

راهکارها و مؤلفه‌هایی که در کتاب "خلق جامعه فرصت ساز" برای ایجاد فرصت مطرح شده است، عبارت‌اند از:

۱. بهبود و ارتقاء شرایط آموزش و تحصیل

۲. افزایش بهره‌وری نیروی کار و ساعات کاری

۳. تقویت بنیان‌های خانواده (ساوهیل و هسکینز، ۲۰۰۹، ص ۲۵)

## ز) جهادی بودن

جهاد از ریشه جهد و از باب فعال به‌عنوان یکی از مصادر باب مفاعله است. در کتب لغت تعاریف نسبتاً نزدیکی از کلمه جهد آمده است. صاحب کتاب المفردات فی غریب القرآن در معنای جهد آورده است: «الجهدُ و الجهدُ: الطاقَةُ و المشقَّةُ، و قيل: الجهدُ بالفتح: المشقَّةُ، و الجهدُ: الوسع. و قيل: الجهدُ للإِسْنان.» (المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۰۸). فرهنگ ابجدی عربی- فارسی نیز این کلمه را به «قدرت و توانایی» ترجمه کرده است. (فرهنگ ابجدی عربی- فارسی ص ۷۸۶)

جهاد از منظر لغوی به معنای تلاش و کوشش توأم با مبارزه با همه توان برای رسیدن به هدفی مشخص است. از نظر اصطلاحی در فقه اسلامی هر نوع تلاش و مبارزه با همه توان در راه خدا را جهاد گویند و این کار و

- 1 mobility
- 2 poverty
- 3 inequality



تلاش در راه خداوند آن چنان دارای پاداش عظیم است که حضرت حق در قرآن کریم می‌فرماید: «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرأ عظیماً». جهاد از نظر هدف به جهاد نظامی، جهاد فرهنگی، جهاد اقتصادی و ... قابل دسته‌بندی است. بنابراین می‌توان گفت رویکرد جهادی، یعنی کار و تلاش با همه توان در هر عرصه‌ای از جمله عرصه اقتصادی و مبارزه با موانع در این عرصه برای پیشبرد جامعه اسلامی و توانمند کردن آن از نظر اقتصادی (سمیعی نسب، سلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

علم و هنر رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی، مبتنی بر مبارزه نه صرفاً در عرصه نظامی بلکه در تمامی عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... جهت نیل به اهداف راهبردی و کلان یک سیستم و رفع موانعی که در رسیدن به آن وجود دارد (مطالعه واحد آموزش مدیریت خدمات شهری شهرداری تهران). مؤلفه‌های رویکرد جهادی از منظر گزاره‌های دینی عبارت‌اند از: ۱- توجه به معنویت (اخلاص) ۲- طراحی نقشه راهبردی (بصیرت) ۳- پایداری و استقامت در کار ۴- مردمی محوری ۵- دیده‌بانی و رصد دقیق منابع و موانع حرکت کشور و دشمن خارجی (سمیعی نسب، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰)

#### ۴. مطالعه موردی از مؤلفه‌های جدول ۱: دیپلماسی اقتصادی

اصطلاح دیپلماسی اقتصادی عمدتاً در دوران پس از جنگ سرد مطرح شد و مورد استفاده قرار گرفت. از منظری کلان، دیپلماسی اقتصادی در معنای عام خود بهره‌گیری از ابزارهای مختلف اقتصادی برای تأثیر گذاری بر رفتار طرف‌های خارجی در جهت تأمین منافع ملی در سطوح دو جانبه و چند جانبه است. دیپلماسی اقتصادی به آن بخش از فعالیت‌های اقتصادی در روابط خارجی یک دولت اطلاق می‌شود که مبتنی بر راهبرد شناسایی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی، به ویژه در بعد صادراتی، به منظور استفاده از فرصت‌ها و مزیت‌های اقتصاد جهانی است. هنگامی که از دیپلماسی به طور عام و دیپلماسی اقتصادی به طور خاص صحبت به میان می‌آید، اساساً رویکرد خارجی مورد اشاره قرار دارد. از این منظر، دیپلماسی اقتصادی بر اساس هدف، سه مولفه عمده را مورد توجه قرار می‌دهد:

- ۱- دسترسی به بازارهای جهانی؛
- ۲- جذب سرمایه‌های خارجی (به طور مستقیم و غیر مستقیم- دو جانبه و چند جانبه)؛
- ۳- حفظ اقتصاد ملی در مقابل چالش‌های اقتصاد جهانی. (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، دی ماه ۱۳۸۴)

اگرچه طی چند دهه اخیر به ویژه پس از فروپاشی بلوک شرق بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند تا براساس تجربه کشورهای توسعه یافته و دیدگاه‌های نظریه پردازان اقتصاد سیاسی سطح تصدی‌گری دولت در حوزه اقتصاد را کاهش دهند و این عرصه را به بخش خصوصی واگذار کنند، اما این به معنای آن نیست که هم‌سو با عرصه داخلی، در عرصه روابط و سیاست در دو دهه گذشته، اقتصاد از اهمیت بیشتری برخوردار شده

است و به تبع آن در روابط خارجی کشورها به عنوان یک متغیر مهم ایفای نقش می‌کند. به همین جهت، واژه ژئواکونومیک در کنار ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مطرح شده است و بلوک‌های اقتصادی جایگاه سیاسی قابل توجهی پیدا کرده‌اند.

به طور کلی، کشورها در تعاملات اقتصادی خود با کشورهای دیگر با دو حق انتخاب به عنوان دو استراتژی متفاوت مواجه هستند: ۱- استراتژی مبتنی بر افزایش صادرات؛ ۲- استراتژی مبتنی بر جایگزینی واردات. موضوع دیپلماسی اقتصادی در این چارچوب عمدتاً در قالب استراتژی نخست مورد توجه قرار می‌گیرد. (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲، ۱۵۳)

### ۵. مطالعه تطبیقی حاصل از نتایج بخش ۳ و ۴

در جدول ۴ مطالعه تطبیقی حاصل از نتایج بخش ۳ و ۴ نشان داده شده است. بدین معنا که مؤلفه‌های ناظر به رویکردها در ضرب و تقابل با مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی قرار گرفته است. نتیجه جدول ذیل در واقع ماحصل مطالعه حاضر در قالب یک مطالعه تطبیقی بر مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های جدول ۱ است. طبیعتاً به دلیل اندک بودن مجال، بررسی سایر مؤلفه‌های جدول ۱ در تقابل با رویکردهای هفت‌گانه به مطالعات دیگر موکول می‌شود.

در جدول ذیل مؤلفه‌هایی از دیپلماسی اقتصادی که با رویکردها و مؤلفه‌های ناظر بر آن‌ها قرابت معناداری دارند، مشخص شده است. به عنوان مثال جذب سرمایه‌های خارجی که یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی است، در قرابت با مؤلفه‌های مقاومت، بهبود، بازسازی، کارایی، اثربخشی، فراوانی نسبی، مقابله با موانع و خلق مزیت، گسترش تعاملات اقتصادی بین‌المللی، بهره‌گیری از مزیت رقابتی، گسترش بخش تحقیق و توسعه (R&D)، خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی، توسعه و تنوع فعالیت‌های اقتصادی، احتراز از واردات بی‌رویه، توجه به معنویت (اخلاص)، بصیرت، پایداری و استقامت در کار، مردمی‌محوری، دیده‌بانی و رصد حرکت دشمن خارجی است.

جهت تبیین بیشتر مسئله می‌توان برخی از مفاهیم فوق را بدین‌گونه تبیین نمود: محور اخیر بیانگر لزوم دیده‌بانی و رصد حرکت دشمن خارجی برای جذب سرمایه خارجی است، بدین‌صورت که مخصوصاً در قراردادهای مهم نفتی و گازی و در صنایع راهبردی کشور باید نقشه‌های دشمن خارجی برای غارت اموال ایران و نیز ایجاد کمبود در تأمین کالاهای اساسی کشور دیده شود. همچنین قراردادهای خارجی برای جذب سرمایه خارجی نباید بگونه‌ای بسته شود، که موجبات تسلط دشمن بر منابع مهم اقتصادی کشور فراهم شود.

جذب سرمایه خارجی باید باعث خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی گردد، بدین‌صورت که با برنامه‌ریزی و قراردادی که صورت می‌گیرد، پس از مدتی فناوری مورد استفاده توسط طرف خارجی بومی شده و با اتکا به نیروهای داخلی بتواند تولید گردد. همچنین جذب سرمایه خارجی باید موجب تنوع و توسعه فعالیت‌های

اقتصادی گردد و اقتصاد کشور را وابسته به بخش خاصی ننماید تا بدینوسیله تاب‌آوری اقتصاد کشور را در مقابل تکان‌های خارجی از جمله تحریم‌ها کاهش دهد.

جذب سرمایه خارجی نباید موجب واردات بی‌رویه شود که نه تنها اقتصاد کشور را مقاوم نمی‌سازد، بلکه موجب نابودی تولید داخلی و همچنین انتقال مصرف‌گرایی صرف به کشور می‌شود. از سویی دیگر جذب سرمایه خارجی باید با هدف تقویت بخش تحقیق و توسعه صورت گیرد تا بعد از مدتی در صنعت مورد نظر برای کشور مزیت رقابتی ایجاد نماید. همچنین جذب سرمایه خارجی باید موانع تولید در کشور را برطرف نموده و مزیت نسبی برای کشور خلق نماید، در غیر این صورت جذب سرمایه خارجی با رویکرد مقاومتی صورت نپذیرفته است.

از سویی دیگر جذب سرمایه خارجی باید موجب گسترش تعاملات اقتصادی بین‌المللی کشور شود تا از این منظر بتواند کشور را در مقابل آسیب‌پذیری‌های احتمالی مقاوم نماید. همچنین جذب سرمایه خارجی باید کارآ و اثربخش باشد یعنی هم در محلی که مورد نیاز و اولویت است صورت پذیرد و هم اثربخشی مورد نیاز را هم در آن محل داشته باشد.

جذب سرمایه خارجی باید دارای ویژگی بهبود و بازسازی باشد، یعنی در صورت قطع احتمالی این روابط، اقتصاد کشور باید بتواند به سرعت شرایط خودش را با وضع ایجاد شده تطبیق دهد و با بازسازی صنعت مورد نظر با توان داخلی و یا با ایجاد قرارداد با طرف‌های خارجی مورد نظر، وضع خویش را نسبت به حالت قبل بهبود بخشد.

#### جدول-۴

برای مشاهده جدول شماره چهار به پیوسا مقاله بر روی وب سایت فصلنامه مراجعه شود.

#### ۶. نتیجه‌گیری

با توجه به ضرورت گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در فضای علمی و دانشگاهی کشور که در بند ۲۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به چشم می‌خورد، این مقاله درصدد ارائه الگویی جهت نظریه‌پردازی در حوزه اقتصاد مقاومتی در چارچوب ادبیات علمی و دانشگاهی است و در این راه، ابتدا مدل مفهومی استخراج اقتصاد مقاومتی، با توجه به چهار رکن قرآن و سنت، دانش و تجارب بشری، شرایط و اقتضات زمانی اقتصاد ایران و اندیشه رهبران انقلاب اسلامی مطرح گردید. با توجه به اینکه مفهوم قوام یک اصل عقلی و نقلی است، در قسمت اول به بررسی رکن اول مدل مفهومی و چارچوب معنایی قوام، قیام و استقامت در قرآن کریم پرداخته شد و این نتیجه بدست آمد که قرآن کریم که کتاب هدایت انسان‌هاست، انسان‌ها را به صورت راه اقوم که استوارترین راه است هدایت می‌کند و اگر انسان‌ها در زمینه‌ی اقتصادی نیز بخواهند صراط مستقیم را

پی‌جویی کنند، باید راهی که قرآن به آن هدایت کرده است را دنبال کنند. قرآن کریم مال را مایه قیام جامعه دانسته است و بر این ضرورت تأکید کرده است که نباید به دست مدیران سفیه و بی‌تدبیر بیفتد.

در ادامه ارکان دوم و سوم مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی بررسی شد و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را با توجه به علوم و تجارب بشری و نیز نصوص دینی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. لذا با توجه به پیشینه مطالعات انجام شده در حوزه اقتصاد مقاومتی و عدم مشاهده چنین نگاهی به موضوع، این مقاله با رویکردی متفاوت رویکردها و بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مورد بررسی قرار داده است که به نوعی نوآوری اصلی این مقاله محسوب می‌شود. از این منظر که رویکردهای کلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به مثابه روح کلی حاکم بر آن دیده است و با استخراج مؤلفه‌های محوری ناظر به هر بند از سیاست‌ها و همچنین مؤلفه‌های مفهومی ناظر به هر یک از رویکردها و ضرب مفهومی این دو، ماتریسی از نگاه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با توجه به رویکردهای مذکور، ترسیم شده است و در قسمت نهایی نیز، به‌عنوان بررسی موردی، مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی با این چارچوب مورد بررسی قرار گرفته است. از این منظر می‌توان تمامی بندهای سیاست‌های کلی را مورد بررسی قرار داد و مؤلفه‌های مقاوم سازی اقتصادی را در عرصه‌های مختلف که به نوعی نقطه تمایز سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با سایر سیاست‌های اقتصادی متعارف است - استخراج نمود. به دیگر بیان، مطالعه حاضر ابتدا با روش تحلیل مضمون، موضوعات و مؤلفه‌های محوری هر بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی استخراج نمود و سپس در جدول ۲ به ضرب رویکردهای ناظر به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در مؤلفه‌های محوری هر بند، اشاره داشت؛ به عبارت دیگر، با توجه به اینکه رویکردهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در واقع روح حاکم بر آن است، سعی شد با روش تحلیل معناشناختی و بهره‌گیری از علوم و تجارب بشری و نیز نصوص دینی به بررسی و استخراج مؤلفه‌های معنایی رویکردهای هفت‌گانه ناظر به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، پرداخته شود و در ادامه به بررسی موردی دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یکی از موضوعات محوری سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پرداخته شد و مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی بر اساس هدف، بررسی و استخراج گردید که این مؤلفه‌ها شامل دسترسی به بازارهای جهانی، جذب سرمایه‌های خارجی، حفظ اقتصاد ملی در مقابل چالش‌های اقتصاد جهانی است. در قسمت ششم با توجه به یافته‌های قسمت سوم و چهارم، ضرب معنادار مؤلفه‌های ناظر به رویکردهای اقتصاد مقاومتی در مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی بررسی شده است و نتیجه بررسی، استخراج مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر الگوی مقاومتی است که به‌عنوان مثال جذب سرمایه‌های خارجی که یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی است، در قرابت با مؤلفه‌های مقاومت، بهبود، بازسازی، کارایی، اثربخشی، فراوانی نسبی، مقابله با موانع و خلق مزیت، گسترش تعاملات اقتصادی بین‌المللی، بهره‌گیری از مزیت رقابتی، گسترش بخش تحقیق و توسعه (R&D)، خوداتکایی در تامین نیازهای اساسی، توسعه و تنوع فعالیت‌های اقتصادی، احتراز از واردات بی‌رویه، توجه به



معنویت(اخلاص)، بصیرت، پایداری و استقامت در کار، مردمی محوری، دیده‌بانی و رصد حرکت دشمن خارجی است.

پیشنهاد جهت ادامه این پژوهش بدین صورت است که هر یک از مؤلفه‌های محوری بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با این رویکرد بررسی شود و مؤلفه‌های مفهومی مقاومتی بودن هر یک از بندها با توجه به رویکردهای آنها که روح حاکم بر سیاست‌های کلی است، مشخص گردد.

Archive of SID

## منابع

- ابریشمی، حمید و منظور، داوود؛ (۱۳۷۸)، تحلیل مقایسه‌ای الگوی رشد نئوکلاسیک و درون‌زا، تهران، فصلنامه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، شماره ۲.
- ابوالقاسمی، محمد، (۱۳۸۹)، ریشه‌شناسی (اتیمولوژی)، تهران: ققنوس.
- الفتی، سمن و بابایی، الناه؛ (۱۳۸۱)، بررسی مدل رشد درون‌زا در اقتصاد ایران، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۵.
- باقکار، حسین، (۱۳۸۴)، بهره‌وری در پرتو اسلام، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- بستانی، فواد افرم، (۱۳۷۶)، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی-فارسی: مترجم: مهیار، رضا، ترجمه کامل المنجد الابجدی، تهران، انتشارات اسلامی.
- پیغامی، عادل، سمیعی نسب، مصطفی، سلیمانی، (۱۳۹۴)، جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: مقاوم سازی اقتصادی در ادبیات متعارف، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پیغامی، عادل، سمیعی نسب، مصطفی، سلیمانی، یاسر، حسین‌زاده یزدی، سعید، (۱۳۹۴)، جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: تحریم‌های اقتصادی ایران، مبانی، ابعاد و راهکارها، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- تراب زاده جهرمی، محمدصادق؛ سجادیه، سید علیرضا؛ سمیعی نسب، مصطفی؛ (۱۳۹۲)، بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۲.
- خداپرستی، فرج الله، (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، تهران، انتشارات دانشنامه فارس.
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی، آذر، عادل، (۱۳۹۲)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، انتشارات صفار.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۲) لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲هـ.ق)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق و بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
- سمیعی نسب، مصطفی، سلامی زهرا، (۱۳۹۳)، رویکرد جهادی در منظومه گزاره‌های دینی، مجموعه مقالات همایش اقتصاد مقاومتی از منظر دین، نشر کتابدار.

- سمیعی نسب، مصطفی، سلیمانی، یاسر، حسین‌زاده یزدی، سعید، (۱۳۹۲)، بررسی اقتصاد مقاومتی با استناد به منابع اسلامی (اصول، اهداف، راهبردها و سیاست‌ها)، گزارش کمیسیون مطالعات اسلامی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- سیف، اله مراد، (۱۳۹۱)، الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۱۶.
- سیف، اله مراد، (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۱.
- سیف‌لو، سجاد، (۱۳۹۳)، مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی، دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، شماره دوم.
- صفوی، کوروش، (۱۳۸۲)، معناشناسی کاربردی، تهران، همشهری.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن، شیخ زاده، محمد، (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲.
- علیرضائی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، محاسبه رشد بهره‌وری کل عوامل به کمک مدل‌های ناپارامتری تحلیل پوششی داده‌ها؛ با یک مطالعه موردی در صنعت برق، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۲، شماره ۱.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات اشجع.
- معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، (۱۳۸۴)، چالش‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی، جمع‌بندی پنجاه و هشتمین نشست تخصصی.
- واعظی، محمود، (۱۳۸۸)، «دیپلماسی اقتصادی ایران با تأکید بر نقش انرژی»، مجله پژوهش نامه سیاست خارجی، ش ۱۷.
- ولی زاده زنور، پروین، (۱۳۸۴)، گزارش با عنوان: بررسی بهره‌وری در اقتصاد ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا، شماره ۲۴.
- Barro, R. J.; Sala-i-Martin, Xavier (2004). **Economic Growth**, 2nd ed, McGraw-Hill.
- Boyatzis, R. E. (1998). **Transforming qualitative information: thematic analysis and code development**, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). **Using thematic analysis in psychology**. Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Briguglio, L. (2004). **Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements**. In Briguglio, L. and Kisanga, E.J. (eds), Vulnerability and Resilience of Small States, Commonwealth Secretariat and the University of Malta.
- Chletsos, M., (2008). **Competitiveness – Entrepreneurship – Extroversion of Greek economy**, Athens : Ministry of national education and religious affairs.

**Definitions of Community Resilience: an Analysis**, (2013), Community & Regional Resilience Institute.

Forgette, Richard and Mark Van Boening (2009). **Measuring and Modeling Community Resilience: SERP and DyME**. Final SERRI, Department of Political Science, University of Mississippi.

Haskins, Ron & Sawhill, Isabel, (2009). **Creating Opportunity Society**. Brookings Institute Press.

Ioannidis, A., (2007). **The demands of the economy and the new role of the State**. Liberal Update, vol. 32 (87 - 92).

Konger Jay A. & Rabindra N. Kanungo (1985). **The Empowerment Process: Integrating Theory and Practice**. Academy of Management Review, vol.13, no.3, p.471.

Lockwood, B, (2008). **Pareto Efficiency**. The New Palgrave Dictionary of Economics, Steven N. Durlauf & Lawrence E. Blume (Editors), Palgrave Macmillan Press, Vol. 6, PP. 292-295.

Martin R., (2012). **Regional economic resilience, hysteresis and recessionary shocks**. Journal of Economic Geography, Vol.12, pp. 1-32.

Paton, D., & Johnston, D. (2001). **Disasters and communities: Vulnerability, resilience, and preparedness**. Disaster Prevention and Management, vol.10, pp 270-277.

Perrings, C. A. (2006). **Resilience and sustainable development**. Environment and Development Economics. vol 11, pp417-427.

Quinlan, A. (2003). **Resilience and adaptive capacity: Key components of sustainable social-ecological systems**. IHDP vol2, pp4-5.

Romer, P. M. (1994). **The Origins of Endogenous Growth**. The Journal of Economic Perspectives V8, N1, pp 3-22.

Rose, A., (2007). **Economic resilience to natural and man-made disasters: Multidisciplinary origins and contextual dimensions**. Environmental Hazards, 7, 383-398.

Tierney, K. and Bruneau, M. (2007). **Conceptualizing and measuring resilience: a key to disaster loss reduction**. TR News May-June, 14-17.

W.A. Mackintosh, (1936). **Some Aspects of a Pioneer Economy**. The Canadian Journal of Economics and Political Science, Vol. 2, No. 4.

WangQing (2010). **The Statistics Research of Economic Comprehensive Extroverted Degree**. Zhejiang Technology and Business University, Master's thesis.

(متن سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی) <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=2537>

<http://www.investopedia.com/terms/c/cili.asp>

[www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org)

بیگامی، عادل، ۱۳۹۲، یادداشت با عنوان درون‌زایی اقتصادی، سایت [khameniei.ir](http://khameniei.ir)



**Explaining the Approaches and Components of Resistive Economy  
(CASE STUDY: Explaining the 20<sup>th</sup> Article of policies: The  
Components of Economic Diplomacy)**

*Yaser Soleimani, Saeid Seyed Hosseinzade Yazdi*

**Received:** 10 July 2016      **Accepted:** 24 October 2016

With respect to this note that consistency and strengthening is intellectual and narrative principle, in this article we discussed the conceptual framework of consistency in the Holy Quran and then through a thematic analysis of each paragraph of the general policy the central component of each paragraph is drawn and by multiplying the conceptual approaches of general policies of Resistive economy to the central component of each paragraph, the matrix in which the above-mentioned approaches which are ruled to each paragraph of general policy is drawn. after that by conceptual studying of ruling approaches by etymologic and semantic methods, as well as using the knowledge and experience of human and religious texts, the concept refers to each of the approaches of the seven components of general policies are extracted. In the final episode as a case study based on the results of the previous two parts, components of economic diplomacy have been studied with this framework. the overall conclusion components of general policy approaches have been developed

**Keywords:** *Resistive economy, consistency, strength, general policy, economic diplomacy.*